مکتب پزشکی شیراز از آل‌بویه تا آغاز صفوی

سید علی رضا گلشنی [الف و ب*]، سید ابوالقاسم فروزانی [ب]، زیبا غفوری [ب]، نرگس کونجون [ب]

[الف] دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
[ب] گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

وجود و کیفیت سیستم های دانش پزشکی در میان تمدن های گوناگون نشان از میزان اهمیت و توانمندی پزشکی آن اقوام داشته است. یکی از این سیستم‌ها، مکتب پزشکی شیراز بوده که کمتر مورد توجه مورخان و اندیشمندان متأخر قرار گرفته است. از این‌رو در این مطالعه سعی بر آن است در حد امکان بر اساس منابع موجود به ترسیم وضعیت این مکتب پزشکی، که از دوره دیلمی تا آغاز صفوی ادامه داشته، پرداخته شود. مکتب علمی شیراز که لقب دارالعلمی را به یدک می‌کشد، با دارا بودن مدارس علمی، بیمارستانها و مراکز درمانی و کتابخانه‌های مجهز شهرتی جهانی یافته بود. علما و دانشمندان بزرگی در این مکتب پا به عرصه نهادند که شیوه‌های نوینی در پزشکی ابداع نمودند، و رونق و پیشرفت پزشکی، را سبب شدند. که در این پژوهش به بررسی این مکتب بزرگ پزشکی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مکتب، طب، دارالعلم، شیراز، مدارس، بیمارستانها.

تاریخ دریافت: تیر ۹۱
تاریخ پذیرش: شهریور ۹۱

مقدمه:

گذشته پر افتخار شیراز بدون شک مرهون حلقه های درسی، پژوهشی و مطالعاتی متعددی است که در قالب مکاتب علمی، شکل گرفته و به تربیت شاگردان قابل و پرآوازه دست زده اند. شاگردانی که موفق شده اند در علوم کاربردی و مهندسی، معماری زیبا و بدیع؛ در علوم پایه، هیئت جهانی؛ در ادب و هنر، استادان بی بدیل شعر؛ در فلسفه و حکمت، مکتب فلسفی شیراز، در عرفان و اخلاق و در فقه و علوم دینی و نیز در طب نیز با دانشمندان و اطباء و بسیاری دیگر از اعاظم را بپروراند.

این پژوهش اولین تحقیقی است که به بررسی اجمالی مکتب پزشکی و طبی شیراز می‌پردازد. بررسی شرایط ظهور، رونق و افول این مکتب بسیار دارای اهمیت می‌باشد. زیرا با روی کارآمدن سلسله دیلمی این مکتب پدید آمد و رشد نمود، با دولت اتابکان این رشد به تکامل رسید، زیرا این دولت با سیاستی که نسبت به خوارزمشاهیان و مغولان داشتند، شیراز را مأمن علما، دانشمندان و طبیبان کرده بود. در دوره آل اینجو و آل مظفر تا اندازه ای این ویژگی حفظ شد. اما با قدرت نمایی تیمور اندکی دچار خلل گردید. در این تحقیق به بررسی اوضاع پزشکی شیراز از آغاز شکل‌گیری تا آغاز صفوی می‌پردازیم.

پیشگامان مکتب پزشکی شیراز:

شیراز پس از ویرانی شهر استخر در نخستین سده هجری، نه تنها جای شهر گور (فیروز آباد) به عنوان مرکز اردشیرخوره (که یکی از نواحی پنجگانه در تقسیم بندی اداری پارس بود)

* فرد مسئول مکاتبات: golshani_22@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

را گرفت، بلکه دارالحکومه (اقامتگاه والی و مرکز اداری) فارس گردید و از آن پس، گسترش و رونقی روزافزون یافت(۱). یعقوبی، مورّخ و جغرافیدان سده سوم هجری، در کتاب جغرافیایی خویش موسوم به البلدان، درباره ویژگی های شیراز در آن روزگار، چنین نوشته است: « شهری است با شکوه و با عظمت که والیان آنجا منزل می‌کنند و آن را وسعتی است تا آنجا که در این شهر خانه ای نیست مگر آن که صاحب‌خانه را بوستانی است دارای همه میوه ها و گلها و سبزیها و هر چه در بوستانها می‌باشد ....» (۲).

بی تردید، شهری که به برکت خاک حاصلخیز و هوای مساعد و آب زلالی که به گفته ابن واضح یعقوبی، از ذوب برف نشسته بر کوه های اطراف، در شهر جاری می‌شد، بوستانهایش فراوان و فرحبخش و باغ هایش گسترده و ثمربخش بود، برای اهالی آن شهر که این مزیت ها را قدر می‌شناختند، دوست داشتنی و دامن گیر بود. شیراز در روزگار حکومت صفاریان در سده سوم هجری در زمره شهرهای طراز اول قرار داشت و مسجد جامعی که به فرمان عمرولیث صفاری[1] در آن شهر ساخته شد (و هم اکنون با نام مسجد جامع عتیق معروف است)، تا قرنها شهره آفاق بود. با این همه، در نخستین دهه های سده چهارم هجری، شیراز بیش از پیش اهمیت یافت. این شهر که در آغاز زمامداری عمادالدوله علی[2] (بنیانگذار سلسله آل بویه[3])، در سال ۳۲۲ ه.ق به عنوان پایتخت او برگزیده شد، به دلیل موقعیت سیاسی جدید خویش، از آبادانی و رونق فراوان برخوردار گردید (۱).

از زمان سلطنت رکن‌الدوله[4] و پس از وی فرزندش عضدالدوله[5]، که شخصاً اهل فضل و دانش بودند، با کمک و استعانت علماء، پزشکان و دانشمندان به ایجاد مدارس، دارالشفاها و کتابخانه ها پرداختند. دعوت عضدالدوله از جبرئیل بن عبیدالله[6] نوه بختیشوع دوم[7] از بغداد جهت ریاست بیمارستان عضدی شیراز را می‌توان نخستین گام در جهت شکل‌گیری مکتب شیراز دانست (۳). که بعد از آن ما شاهد رشد دانشمندان و اطبای بزرگی هستیم که در اینجا به بررسی زندگی پزشکان و آثار علمی آنان می‌پردازیم:

ابوماهر موسی بن یوسف سیار شیرازی[8]، از پزشکان مشهور فارس، است که در قرون سوم و چهارم هجری میزیسته است و تاریخ تولد او معلوم نیست اما محل تولد وی شیراز است. بجز علی بن عباس مجوسی اهوازی[9]، ابوالحسن احمد بن محمد طبری[10] و ابن مندویهٔ اصفهانی[11] از شاگردان او هستند. شاگردانش در آثار خود به شاگردی ابوماهر مباهات می کرده‌اند. ابوماهر علاوه بر تدریس، به تألیف کتب علمی و طبی ارزشمندی همت گماشت (۱). او اولین پزشکی است که کتابی در آلات جراحی نوشت و از اعمال جراحی سخن به میان آورد. او را می توان بنیانگذار مکتب طبی شیراز دانست که برای نخستین بار در طب اسلامی، طب عملی را همپایه با طب نظری وارد کتب طبی کرده است. مکتب طبی شیراز مکتب خاصی بوده که از مکتب بوعلی سینا[12] و رازی[13] جدا است، نگاهی به تألیفات صورت گرفته این مکتب توجه به اهمیت اعمال جراحی و طب عملی را نشان می دهد. از تألیفات ابوماهر شیرازی می‌توان به رساله در آلات جراحی، کتاب چهل باب در جزء نظری و عملی، کتاب فی الستة الضروریه، مقاله در فصد و تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس[14] اشاره کرد. تاریخ وفاتش معلوم نیست (٤).

ابوعلاء شیرازی در بین پزشکان دربار آل بویه[15] بسیار مشهور بوده است، او ابتدا پزشک لشکریان عضدالدوله دیلمی بوده است، اما بعد عضدالدوله، وی را به عنوان پزشک مخصوص شرف‌الدوله[16] برگزید و چون شرف الدوله به بیماری صعب العلاجی دچار شد و درگذشت، عده‌ای از حاسدان وی را متهم به تساهل و تعلل کردند و او با دلتنگی تمام شیراز را به سمت بصره ترک کرد و در بین راه مریض شد

[1] - Amr-i Laith Saffari.
[2] - Imad al-Dawla Ali.
[3] - Buyid dynasty.
[4] - Rukn al-Dawla.
[5] - Azod od-Dowleh.
[6] - Gabriel bin Ubaidullah.
[7] - Bukhtishu II.

[8] - Abu Maher Moses ben Joseph Sayar Shirazi.
[9] - Ali ibn Abbas Majusi Ahwazi.
[10] - Abu-l-Hasan Ahmad ibn Mohammad Tabari.
[11] - Ibn Mndvyh Isfahani.
[12] - Abu Ali Sina.
[13] - Razi.
[14] - Galen.
[15] - Buyids.
[16] - Sharaf al-Dawla.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

و درگذشت (۱). در مورد وی آورده اند، که وی اولین کسی بود که در عالم طب پی به تأثیر مواد ارسینکی در درمان مالاریا و تب نوبه برد و به نتیجه عالی رسیده است. در کتابخانه مدرسه نواب مشهد کتابی در طب با عنوان «بیان و تبیین» موجود است که آنرا به وی نسبت می‌دهند (۵).

ابن عجیم[17] طبیب فارسی در علم نجوم، طب و فلسفه تبحر داشته است، و با سلاطین آل بویه معاصر بوده است، او را به خاطر نقل این مطلب در رساله‌ای که حکما قبل از اسلام درحرکت و کروی بودن زمین نظر داشته اند و اینکه افتخار نقل این مطلب را بی جهت به کپرنیک[18] داده‌اند، و دیگری جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی[19] در موضوع افلاک و ثوابت و سیارات می باشد. از ویژگیهای خاص درمانی و طبی این دانشمند بزرگ گزارشی نشده است (۱۲).

ابوالحسین فارسی[20] طبیب و کاتب بصره در دوران سلطنت بهاءالدوله[21] می‌باشد. محمد تقی میر[22] در کتاب پزشکان نامی پارس از وی، کتابی در پزشکی با عنوان کلیات طب که به اتمام نرسیده است، نام می‌برد (۵).

ابوسهل ارجانی[23] طبیب عمادالدوله مرزبان دیلمی[24] نوه عضدالدوله می‌باشد، از وی اثری در دست نیست (۵).

ابوجعفر احمد ابن محمدبن ابی الاشعث[25]، از پزشکان سده چهارم هجری است و صاحب تألیفات بسیاری در زمینه پزشکی و حکمت می باشد، وی ابتدا در فارس ساکن بوده اما به موصل رفته و در آنجا به درمان بیماران، تدریس و تألیف مشغول گشته است. که در اینجا چند مورد از تألیفات وی را نام می بریم: ۱- کتاب الامراض معده و مداوای آن ۲- شرحی بر کتاب الفرق و الحمیات جالینوس ۳- کتابی در مالیخولیا (روانشناسی) ٤- کتابی در صرع ۵- کتابی در استسقاء ٦- کتابی درترکیب الادویه ۷- کتاب داروشناسی مفرده ۸- کتاب الحیوان ۹- کتاب الجدری و الحصبه والحمیقاء ۱۰- کتاب در السرسام و البرسام و مداواتها ۱۱- کتاب القولنج و اصنافه و مداواتها و الادویه النافعه منه ۱۲- کتاب فی البرص و البهق و مداواتها ۱۳-کتاب الاخر فی الصرع. او درحدود سال ۳٦۰ درگذشت (۱).

حسن‌فسایی[26]، از طبیبان و دانشمندان تربییت‌یافته‌گان مکتب‌پزشکی‌شیراز می‌باشد، وی از اطباء بهاءالدوله پسر عضدالدوله است. تاریخ وفاتش را سال ۳۹۸ دانسته‌اند (۵).

روند تکاملی مکتب پزشکی شیراز:

در سال ۵٤۳ هجری اتابک سنقر بن مودود سلغری[27] یکی از امرای ترکمن[28] که قبلاً در خدمت سلجوقیان[29] بود، در فارس طغیان کرد و با شکست دادن ملکشاه دوم[30] پسر سلطان محمود سلجوقی[31] قدرت را در شیراز به دست گرفت. تا سال۷۲۵ هجری در حدود ۱۸۰ سال اتابکان[32] با درایت به اداره شیراز و فارس پرداختند (٦).

اتابک مظفرالدین ابوشجاع سعد بن اتابک زنگی[33] و اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی[34] این پدر و پسر نسبت به عمران و آبادانی شیراز بسیار کوشیدند، که از جمله اقدامات عمرانی اتابک ابوبکر، بیمارستانی است که در شیراز که به دارالشفای مظفری معروف بوده است، مولانا ضیاءالدین مسعود بن مصلح کازرونی[35]، پزشک معروف این بیمارستان محسوب می‌شده است. در این بیمارستان، بیماران مجاناً معالجه می شدند، غذا و دارو می‌دادند (۷).

اتابک ابوبکر در دوران حکمرانی اش با درایت خطر مغولان[36] را نزدیک دید، وی با فرستادن برادرزاده اش تهمتن[37] به دربار اوکتای قاآن[38] (فرمانروای مغولان)، و پرداخت ۳۰ هزار دینار زر سرخ خراج، به انقیاد مغولان درآمد.

[17] - Ibn Ajym.
[18] - Copernicus.
[19] - Abu Rayhan Biruni.
[20] - Abualhossin Farsi.
[21] - Baha al-Dawlah.
[22] - M.T Mir.
[23] - Abu Sahl Arjaani.
[24] - Imad al-Dawla Marzban.
[25] - Abu Ja'far Ahmad ibn Muhammad ibn Abi Alashs.
[26] - Hassan Fsayy.
[27] - Atabak Sungur Ibn Mawdud Salguri.
[28] - Turkmen.
[29] - Seljuqs.
[30] - Malik-Shah II.
[31] - Sultan Mahmud Seljuqi.
[32] - Atabaks.
[33] - Atabak Muzaffar al-Din Abushja Sa'd ibn Atabak Zangi.
[34] - Atabak Muzaffar al-Din Abu Bakr ibn Sa'd Ibn Zangi.
[35] - Mewlana Zia' al-Din Mas'ud Ibn Mosleh Kazeruni.
[36] - Mongols.
[37] - Tahmtan.
[38] - Ogedei Khan.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

از جانب اوکتای، «قتلغ‌خان» ملقب گردید و همچنین فارس را از آتش فتنه مغولان رهانید (٦). این اقدام اتابک ابوبکر علاوه بر اینکه سبب شد که بسیاری از علما، دانشمندان و طبیبان شیرازی جان خود را به خاطر حمله مغول از دست ندهند، بلکه بسیاری از علما و دانشمندان سایر نقاط ایران که با حمله مغول آواره شده بودند. مأمنی در فارس و شیراز جهت آرامش یابند و این دوره با شکوفایی باعث رونق دارالعلم شیراز گشت.

در اینجا به بررسی زندگی پزشکان و آثار علمی آنان در جهت تکمیل رشد مکتب پزشکی شیراز می‌پردازیم:

ابوالفرج عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیرازی[٣٩] از پزشکان نامی قرن ششم هجری است. دو کتاب خلاصه الکلام فی تأویل الاحلام در بیست و چهار باب در طب و کتابی در بحث عشق و مسائل جنسی و تقویت قوه باء از خود به جا گذاشته است (٥).

کمال‌الدین ابوالخیر مصلح المتطبب شیرازی[٤٠] یکی از حکما و پزشکان مشهور عصر اتابکان[٤١] بود و از شاگردان مشهور او می توان از علامه قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی و شیخ زین الدین علی[٤٢] فرزند شیخ الاسلام عزالدین مودود زرکوب شیرازی[٤٣] را نام برد. این حکیم بزرگوار پس از عمری تدریس در سال ٦٥٩ در شیراز وفات یافت و در بقعه باهلیه مدفون شد (٥).

علامه قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی[٤٤]، در سال ٦٣٤ در شیراز متولد شد، وی فرزند ضیاءالدین مسعود بن مصلح پزشک معروف دارالشفای مظفری شیراز است. وی مانند دیگر اعضای خانواده‌اش به کسب علم طب پرداخت، وی در سایه تربیت پدرش رشد یافت و پس از فوت پدرش در سن ١٤ سالگی به مدت پانزده سال چشم‌پزشک و رئیس بیمارستان دارالشفاء مظفری بود. آنگاه به نزد علمایی خارج از شیراز چون مولانا شمس الدین محمد بن احمد کیشی و شرف‌الدین بوشکانی[٤٥] رفت و به صورت یکی از پرآوازه‌ترین و تابناکترین علمای عصر خویش درآمد. علامه قطب الدین دارای تألیفات بسیاری در طب، ریاضیات، نجوم، فیزیک، فلسفه، تفسیر است. سرانجام این دانشمند فرزانه پس از عمری تحقیق و تدریس در سال ٧١٠ در تبریز درگذشت و در قبرستان چرنداب به خاک سپرده شد (٧).

از آثاری که وی تقدیم مکتب پزشکی شیراز کرده است می‌توان به کتاب تحفه السعدیه در شرح کلیات قانون ابن سینا و رساله فی بیان الحاجت الی الطب و آداب الاطباء و وصایا و رساله‌ای در درمان بیماریهای چشم و تفسیر بر ارجوزه ابن سینا اشاره کرد (٥)(٣).

شمس‌الدین مولانا عمر بن مظفر ابوالمفاخر شیرازی[٤٦]، عالم، فقیه، منجم، طبیب و شاعر در سال ٥٥٩ در دارالعلم شیراز بدنیا آمد و در همین شهر به فراگیری علوم متداول پرداخت. از تألیف وی در علم طب می‌توان به کتاب منهاج الاریب فی الحتیاج الی الطبیب اشاره نمود. وی در سال ٦٣٢ دارفانی را وداع گفت و در قبرستان شیرویه مدفون گردید (٨).

مولانا شمس‌الدین محمد بن احمد کیشی[٤٧] از علما و دانشمندان قرن هفتم هجری است. از شاگردان وی می‌توان به علامه حلی[٤٨] و علامه قطب الدین شیرازی و از مصاحبینش می‌توان به خواجه نصیرالدین طوسی[٤٩]، سعدی شیرازی[٥٠]، مجدالدین همگر[٥١] و بهاءالدین محمد جوینی[٥٢] اشاره کرد. وفاتش با سعدی علیه الرحمه همزمان بوده و در سال ٦٩٤ در محله دزک شیراز اتفاق افتاده است.

در کتاب تذکره هزار مزار از طبیب مولانا معین‌الدین بن ابی‌سعد[٥٣] متوفی هفتصد و اندی سخن به میان آمده است، مدفن وی را در نزدیکی قبر شیخ کبیر ابوعبدالله محمد ابن خفیف[٥٤] آورده‌اند (٨).

[39] - Abvalfrj Abdulrahman bin Nasser bin Abdullah Shirazi.
[40] - Kamal al-Din Abvalkhyr Mosleh Almttbb Shirazi.
[41] - Atabaks.
[42] - Shaikh Zainuddin Ali.
[43] - Sheikh al-Islam Izz al-Din Mawdudi Zrkvb Shirazi.
[44] -Allamah Qutb al-Din Mahmoud Ibn Mas'ud Shirazi
[45] - Sharaf al-Din Bvshkany.

[46] - Shams al-Din Mewlana Omar lbn Muzaffar Abu Almfakhr Shirazi.
[47] - Mewlana Shams al-Din Muhammad ibn Ahmad Kyshy.
[48] - Allamah Hilli
[49] - Khawaja Nasir al-Din Tusi.
[50] - Saadi Shirazi.
[51] - Majd aldin Hmgr.
[52] - Bahaeddin Mohammad Joanne.
[53] - Tabib Mewlana Moinuddin ibn Abi Saad.
[54] - Sheikh Kabir Abu Abdullah Muhammad ibn Khafif.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

خاندان الیاسی[55] یکی از خاندانهای شیرازی که در بیشتر علوم و بویژه علم پزشکی سرآمد بوده‌اند، به خاندان الیاسی اشتهار دارند. این خاندان از دوره اتابکان سلغری تا قاجار امتداد داشته اند. در اینجا به ذکر چند نفر از این خاندان می‌پردازیم:

۱.مولانا جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی[56]، از پزشکان عالم و شاعر دوره اتابکان است. وفاتش را در کتاب شدالازار سال ٦٤٤ ثبت گردیده است (۸).

۲. منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس[57]، یکی از افراد خاندان دانشور الیاسی است و از پزشکان مشهور قرن هشتم در شیراز است. وی کتابی در پزشکی به تحریر درآورد که آن را به نام مجاهدالسلطنه و الدین سلطان زین العابدین بن شاه شجاع[58] «کفایه مجاهدیه» قرار داده است. این کتاب شامل دو فن است: فن اول در دو قسم طب نظری و عملی، فن دوم در ذکر ادویه مفرده و مرکبه می‌باشد. از این طبیب کتابی با عنوان تشریح منصوری که به امیرزاده پیرمحمد بن عمر شیخ[59] تقدیم کرده است، این کتاب با تصاویر به ذکر تشریح بدن می‌پردازد. از تاریخ وفات این طبیب بزرگ اطلاعی در دست نیست(۷)(۵).

۳. نجم الدین محمود بن صائن الدین الیاس شیرازی،[60] عالم طبیب و فقیهی فرزانه بود و در اقسام علوم و فنون زمان خود دست داشت. حاوی صغیر یا الحاوی لعلم التدوی که به اشتباه آنرا به رازی منتسب می‌کنند از اوست، این کتاب بعد از قانون بوعلی سینا و کتاب کامل الصناعه اهوازی و حاوی کبیر زکریای رازی از منابع پرارزش علم پزشکی است. از دیگر آثار گران سنگ وی می‌توان به شرح الفصول البقراط، الرشدیه، کتاب التشریح، کتاب الاغذیه و الاشربه، الرساله الثلجیه و کتاب اسرار النکاح اشاره کرد. وی همچنین کتابی با عنوان طب غیاثی یا الغیاثیه دارد که شامل چهار مقاله است، دو مقاله در شرح تشخیص و شرح بیماری و دو مقاله در درمان بیماری می‌باشد.

وی همچنین رئیس بیمارستان اتابکی بود که در دارالسلام شیراز قرار داشت و به خاطر اهمیت این بیمارستان به دستور خواجه رشیدالدین فضل الله[61] موقوفاتی در رامجرد، بیضا، فیروزآباد و کربال فارس مجری پرداخت هزینه‌های این بیمارستان کرد. این حکیم فرزانه به قول صاحب فارسنامه ناصری در سال ششصد و نود و اندی وفات یافت (۵)(۸).

دوره آل اینجو، آل مظفر و تیموری:

این دوره پرآشوب که به عصر حافظ[62] نیز مشهور است، شاهد فرمانروایان نامی چون شاه شیخ ابواسحق اینجو[63] و سلاطین مظفری امیر مبارزالدین محمد[64]، شاه شجاع، سلطان زین‌العابدین و شاه منصور[65] و در پایان امیر تیمور گورکانی[66] مقارن بوده است (۱). اما با این همه آشوب و تغییر قدرت باز مکتب طبی شیراز به کار خود ادامه داد، در اینجا به ذکر تعدادی از این دانشمندان می‌پردازیم:

علی بن حسین الانصاری[67] مشهور به حاج زین العطار، از پزشکان و داروسازان نامی زمان شاه شجاع مظفری است، وی درسال ۷۳۰ هجری متولد شد، از تألیفات وی می‌توان به کتاب "اختیارات بدیعی در مفردات طب"، تحفه السلاطین در کالبدشناسی و مفتاح الخزائن اشاره کرد. او در سال ۸۰٦ هجری در شیراز درگذشت (۵)(۳).

علی بن محمد بن عبدالله منطب ابزری[68]، از پزشکان دوره تیموریان[69] در شیراز است. از آثار وی می‌توان به الایضاح در کلیات، الدستور در جزئیات، گزیده از جامع کبیر ابن بیطار اندلسی[70] در ادویه مفرده، اصول التراکیب و القرآبادین و المختصر فی الطب اشاره کرد. از سال وفاتش اطلاعی در دست نیست (۵).

[55] - Elyasi.
[56] - Mewlana Jalal ad-Din Ahmad ibn Yusuf ibn Ilyas Shirazi.
[57] - Mansur ibn Muhammad ibn Ahmad ibn Yusuf ibn Ilyas.
[58] - Zine El Abidine ibn Shah Shuja.
[59] - Pir Muhammad ibn Umar Sheikh.
[60] - Najm al-Din Mahmoud ibn Sayn al-Din Ilyas Shirazi.

[61] - *khajeh* Rashid al-Din Fadhl-allah.
[62] - Hafez.
[63] - Shah Sheikh Abu Es'haq Aynjo.
[64] - Amir Mbarzaldyn Muhammad.
[65] - Shah Mansor.
[66] - Emir Timur Gurkani.
[67] - Ali Ibn Hossein Al-Ansar.
[68] - Ali Ibn Muhammad Ibn Abdullah Montbb Abzry.
[69] - Timurid.
[70] - Ibn Betar Andalusia.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

محمود بن محمد بن عبدالله بن محمود بن عبدالله بن محمود طبیب شیرازی[۷۱] از اطباء و دانشمندان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است و از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی[۷۲] بوده است. از وی کتابی در طب بنام تحفه خانی باقی مانده است. وفاتش در سال نهصد و سی و دو بوده است (۵).

مولانا میرزا جلال الدین احمد طبیب شیرازی[۷۳]، طبیب، صوفی و شاعر بنام قرن هشتم و از معاصرین شاه شجاع مظفری است. متوفی سال ۷٤٤ هجری قمری می باشد (۹).

مدارس، بیمارستانها و کتابخانه های دارالعلم شیراز:

مدارس و حوزه های علمی: هر تمدنی در جهت شکوفایی علم و فرهنگ نیازمند داشتن کتابخانه های مجهز و مدارس علمی است. این دو خاصیت در حوزه دارالعلم شیراز نمود یافته بود در اینجا به ترتیب به ذکر اجمالی این دو حوزه یعنی مدارس و کتابخانه های شیراز در طول تاریخ می‌پردازیم:

مدرسه منصوریه: این مدرسه در بازارچه‌ای به همین نام واقع در جنوب شاهچراغ (ع) و در کوچه‌ای منشعب از طرح بین الحرمین قرار دارد. محله‌ای که مدرسه در آن واقع شده است به محله لب آب مشهور است و یکی از محله‌های قدیمی شیراز است.



(تصویر ۱- مدرسه منصوریه شیراز)

مدرسه منصوریه در سال ۸۸۳ (هـ . ق.) توسط امیر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی[۷٤] ساخته شده و چون نام فرزندش غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی[۷۵] بوده است، لذا مدرسه را بنام او منصوریه نامیده است. صدرالدین در روز جمعه ۱۲ رمضان سال ۹۰۳ (هـ . ق.) به فرمان قاسم بیک پرناک[۷٦]، به اتهام تحریک مردم به آشوب، به دست ترکمانان، پس از ۷٦ سال زندگی به قتل رسید، و در این مدرسه دفن گردید (۱۰). فرزند وی، غیاث الدین منصور نیز پس از عمری تلاش و کوشش علمی، در سال ۹٤۸ هجری و در همین مدرسه مدفون شده است (۱۱). در حال حاضر طلاب علوم دینی در این مدرسه مشغول تحصیل هستند.

مدرسه اتابک قراچه روبروی مدرسه خزاریه. مدرسه خزاریه توسط ابوطاهر محمد بن عبدالله بن الحسین افزاری متوفی ٤۹۲ هـ . ق. حوالی مسجد جامع عتیق ساخته شده بود.

مدرسه اتابک منکو برس در جوار مرقد ام کلثوم، بیرون باروی شیراز حدود خاتون.

مدرسه ابونصر لا لا بنام لالائیه در دروازه استخر شیراز.

مدرسه زاهده(عصمتی)، ساخته شده توسط زاهده خاتون همسر اتابک بزابه.

مدرسه تاجی ساخته شده بوسیله تاج الدین شیرازی وزیر فارس در زمان اتابک بزابه.

مدرسه سنقریه توسط اتابک مظفرالدین سنقر بن مودود سر دودمان اتابکان فارس.

مدرسه امینی در حوالی مسجد جامع عتیق ساخته شده توسط امین‌الدوله وزیر دانشمند اتابک تکله.

مدرسه اتابکی توسط اتابک مظفرالدین قتلغ خان ابوبکر بن سعید فرزند اتابک سعد بن زنگی (۱).

مدرسه امیر مقرب الدین وزیر اتابک مظفرالدین قتلغ خان بنام مدرسه مقرب.

مدرسه فخری که امیر فخرالدین ابوبکر وزیر دیگر اتابک مظفرالدین نزدیک خانه اتابک ساخته بود.

مدرسه شاهی ساخته شده توسط شاهزاده کردوچین دختر آبش خاتون در جوار ارگ اتابک.

مدرسه مسعودیه بوسیله ملک جلال الدین مسعود شاه پسر شاه محمود اینجو ساخته شده است. احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی نویسنده کتاب شیرازنامه، در این مدرسه تدریس می‌کرده است.

[71] - Mahmoud Ibn Mohammad Ibn Abdullah Ibn Mahmoud Ibn Abdullah Mahmoud Tabib Shirazi.
[72] - Allamah Jalaluddin Davani.
[73] - Maulana Mirza Jalaluddin Ahmed Tabib Shirazi.
[74] - Amir Sadr al-Din Muhammad Dashtaki Shirazi.
[75] - Ghiyathoddin Mansur Dashtaki Shirazi.
[76] - Qasm Bic Prnak.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

مدرسه مجدیه که شیخ قاضی امام مجدالدین اسماعیل در سده هشتم هجری ساخته بود.

مدرسه دارالشفا که احداث آنرا به شاه شجاع نسبت داده‌اند، و مدرس آن سید شریف جرجانی بوده است (۱۲).

از دیگر مدارس شیراز که در تاریخ ذکری به میان آمده است، مدارس زیر را می‌توان نام برد:

۱-مدرسه امامیه ۲- مدرسه ایمانیه ۳- مدرسه بنجیر خوزی ٤- مدرسه ملکه تاشی خاتون(مادر شیخ ابواسحق اینجو)جنب بقعه شاهچراغ ٥- مدرسه تقویه ٦- مدرسه حاجی میرزا قاسم ۷- مدرسه حبیبیه ۸- مدرسه خنجیه ۹- مدرسه دشتکیه ۱۰- مدرسه رضویه ۱۱- مدرسه رفیعی(بنای فقیه مشرف الدین وزیر) ۱۲-مدرسه عضدیه (ترکان خاتون) ۱۳- مدرسه زینتیه(زینبیه) ١٤- مدرسه سادات طویل ١٥- مدرسه سامیه ١٦- مدرسه شریفیه ١٨- مدرسه صاعدیه ١٩- مدرسه محبیه(میرزا علی اکبر) ۲۰- مدرسه محسنیه ۲۱- مدرسه مغربی ۲۲- مدرسه محسنیه ۲۳- مدرسه اتابک منکوبرس ٢٤- مدرسه مؤمنیه ٢٦- مدرسه نصریه ۲۷- مدرسه هاشمیه (۱۳).

بیمارستانها:

۱-بیمارستان عضدی: این بیمارستان به دستور عضدوالدوله دیلمی در شیراز، احتمالاً در حدود سالهای ۳٦۰ تا ۳٦۲ هجری، قبل از عزیمت عضدالدوله به بغداد تأسیس شده است (١٤). به گفته مقدسی بسیار مجهز بوده و موقوفات فراوانی به آن تعلق گرفته بود و پزشکان ماهر، پرستاران و کارمندان بسیاری به فعالیت در این بیمارستان مشغول بوده اند (١٤). بنا به گفته حمدالله مستوفی در نزهه القلوب(تألیف ۷٤۰ هـ ق) و زرکوب شیرازی در شیرازنامه (تألیف ۷٦٥ هـ ق) به صراحت بر دائر و فعالیت این بیمارستان تا قرن هشتم دلالت می‌نمودند (۱٥).

۲- بیمارستان مظفری: این بیمارستان بنا به گفته زرکوب شیرازی به دستور اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد زنگی در ناحیه دروازه سلم در جنوب و شرقی شیراز و در محله لب‌آب ساخته شده است (۱٥).

بیمارستان مظفری پس از فوت آبش خاتون، آخرین فرمانروای اتابکان فارس وضعیت اسفباری به خود گرفت. اما به دستور رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر کاردان ایلخانی، با اضافه شدن موقوفات و مقادیر زیادی پول و اجناس با ارزش و انتخاب محمود بن الیاس شیرازی به مدیریت این بیمارستان بار دیگر رشد و شکوفایی به این مرکز پزشکی بازگشت (۱٥). متأسفانه عمر بیمارستان مظفری نیز کوتاه بوده است و با قتل خواجه رشیدالدین فضل الله در سال ۷۱۸ هجری، کلیه اموال و موقوفات به تاراج رفته است و این بیمارستان به کلی ویران شده است (۱٥). البته در دوره اتابکان به جز بیمارستان مظفری دو بیمارستان با نامهای بیمارستان امیر مقرب‌الدین و فخرالدین ابوبکر از وزرای کاردان اتابک ابوبکر بن سعد در شیراز بنا شده است (۱٥).

۳- دارالشفای شاه شجاع: این بیمارستان به احتمال قوی به جای بیمارستان مظفری، توسط شاه شجاع در سال ۷۷۷ هجری بنا شده است. شاه شجاع مدیریت این بیمارستان را برعهده حکیم بلند آوازه‌ای چون سید شریف‌الدین جرجانی[۷۷] قرار داده بود (۱۷). از این بیمارستان تنها قبر سید شرف‌الدین جرجانی باقی مانده است (۱).



(تصویر ۲- مقبره سید شرف‌الدین جرجانی)

٤- بیمارستانهای دوره تیموریان: در دوره تیموریان نیز بنا به توصیه شخص تیمور در مستقر بودن هر بیمارستانی در هر شهری، همچنان بیمارستانهای عضدی، امیر مقرب الدین شیرازی و دارالشفای شاه شجاع دائر بوده است (۱٥).

[77] - Seyyed Sharif Uddin Jarjani.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

کتابخانه ها:

۱- کتابخانه عمادالدوله دیلمی: علی بن بویه پس از استقرار در شیراز درسال۳۲۲ هجری بـه تأسـیس کتابخانـه ای درکـاخ مجللش دستور داد. ظـاهراً ایـن کتابخانـه جـزء قـدیمی تـرین کتابخانه های ایران است (۱۷).

۲- کتابخانه عضدالدوله: عضـدالدوله پـس از اسـتقرار بـه حکومت شیراز در سـال ۳۳۸ و بـه دنبـال اقـدامات اصـلاحی عمویش عمادالدوله به عمران و آبادی شیراز پرداخت. از جمله اقدامات عضدالدوله تأسیس کتابخانه ای بود، که مقدسـی آن را در سال ۳۷۵ دیده وآن را اینطور توصیف می کند: در میان کاخ مجلل عضدالدوله، کتابخانه ساختمانی جداگانه دارد، که زیرنظر یک سرپرست و یک کتابدارو یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می شود. هیچ کتابی نیسـت، مگـر نسـخه ای در آن باشـد. در ضمن عضدالدوله به تأسیس کتابخانه در شهرهای بصره، نجف الشرف و رامهرمز پرداخت که مقدسی در کتاب خود از آنها نام برده است (۱).

۳- کتابخانه شرف الدوله: این کتابخانه توسط شرف الدوله ابوالفوارس پسر عضدالدوله بنا گردید، واوقاف بسـیاری بـرای آن قرار داد، و ابومحمدعبدالله محمدبن احمد بن سلمان فزاری قاضی بغداد را به متولی آن کرد، و تا قرن هشتم هجری خاندان فزاری متولی این کتابخانه بودند (۱۷).

٤- کتابخانه مدرسه سعد: با بنای این مدرسه توسط سـعد بن زنگی، کتابخانه ای نیز درآن دائر شد.

۵- کتابخانـه بهاءالدولـه دیلمـی: ایـن کتابخانـه توسـط بهاءالدوله پسرعضدالدوله بنا گردید، مدتی ریاست این کتابخانه برعهده ابن بواب خطاط مشهور متوفی٤١٣ هجری بوده اسـت (۱).

٦- کتابخانـه مدرسـه فخرالـدین ابـوبکر: ایـن مدرسـه وکتابخانه توسط فخرالـدین ابوبکرحـوائجی از وزیـران اتابـک ابوبکربن سعد بنا گردید، و املاک بسیاری نیز وقف آن گردید. کتابخانه این مدرسه به خـاطر حضـور دانشـمندان و فقیهـان و تشکیل جلسات بسیار دارای اعتبار زیادی بوده است (۱).

۷- کتابخانه مدرسه عضدی: این مدرسه و کتابخانه توسط ترکان خاتون دختر قطب الدین محمـود اتابـک یـزد و همسـر ابوبکر بن سعد بنا گردید، و املاک بسیاری نیز وقف آن گردید (۱۷).

۸- کتابخانه مدرسـه دارالشـفاء: ایـن مدرسـه و کتابخانـه توسط شاه شجاع مظفری درسال ۷۵۷ هجری در محله لب آب شیراز بنا گردید، از اسـاتید مشـهور ایـن مدرسـه مـی تـوان از میرسید شریف جرجانی صاحب صرف میر اشاره کرد (۲)

۹- کتابخانه مدرسه صاعدیه: این مدرسه و کتابخانه توسط رکن الدین صاعد، وزیر امیرمبارزالدین و شـاه شـجاع در سـال ۷٦۲ هجری بنا گردید، و بـه مدرسـه بسـحاقیه شـهرت یافـت (۱۷).

۱۰- کتابخانه مدرسه جنید شیرازی: ایـن کتابخانـه معتبـر توسط شیخ صدرالدین جنید شیرازی بنـا گردیـد، و بعضـی از نسخه های آن را در سال ۷۷۵ هجری استنتاخ، کتابخانه آسـتان قدس رضوی گردید (۱).

۱۱- کتابخانه پیرمحمدبن عمرشیخ: ایـن کتابخانـه توسـط میرزا پیرمحمدبن عمرشیخ فرزند تیمور در شـیراز بنـا گردیـد، وی در شیراز مشوق نقاشان و خوشنویسان نامی بود، بـه تهیـه نسخه های کتاب و گـردآوری آن بـه تکمیـل کتابخانـه کمـک شایانی کرد (۱).

۱۲- کتابخانه ابراهیم سلطان: این کتابخانه توسـط ابـراهیم سلطان، حاکم قرن دهم هجری شیراز بنا گردید، وی خط ثلـث را بسیارخوش می نوشـت، و بـه کتـاب عشـق مـی ورزیـد، و مشوق نقاشان و خوشنویسان بود، و به تهیه نسخه های خطـی کتاب بسیار علاقمند بود (۱).

۱۳- کتابخانه هرمـز اسـکندربن عمرشـیخ: ایـن کتابخانـه توسط هرمز اسکندر بن عمرشیخ بنا گردید، و «مولانا معروف» شاعر و خوشنویس را متولی آن ساخت (۱).

١٤- کتابخانه خانـدان دشـتکی: ایـن کتابخانـه متعلـق بـه خاندان دشتکی اسـت، آنهـا دانشـمندانی بودنـد، کـه از خـود کتابخانه ای معتبر باقی گذاشتند، که نسل اندر نسل در خـانواده آنها باقی مانده بود. در اثر بعضی از سوانح بعضی از این کتابهـا از بین رفت، و تعدادی از آنها بـه کتابخانـه مدرسـه منصـوریه منتقل گردید (۱۷).

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

۱۵- کتابخانه مدرسه منصوریه: این مدرسه و کتابخانه توسط صدرالدین دشتکی درسال ۸۸۳ هجری بنا گردید، و املاک متعددی برایش وقف گردید (۱۷).

نتیجه گیری:

در مورد مکتب پزشکی شیراز می‌توان گفت که به طور کلی مکتب شیراز چهار دوره نونهالی، جوانی، میانسالی و در آخر پیری و انحلال را تجربه کرد. بر مبنای تاریخنگاری تاریخ شیراز، دوره اول از آغاز شکل گیری شیراز تا پایان آل بویه، دوره دوم از اتابکان سلغری تا حمله تیمور و دوره سوم از شروع فرمانروایی صفویه تا پایان این سلسله و دوره چهارم از افشاریه تا قاجاریه را شامل می‌شود. که در این پژوهش به بررسی دو دوره اول پرداختیم.

مکتب پزشکی شیراز، یکی از مکاتب علمی ایران است، که کمتر به آن توجه شده است، این مکتب در حدود ۱۰۰۰ سال در درمان و آموزش علم طب پیشقدم بوده است. تبحر علمی اطباء و پزشکان شیراز، تنها به این شهر منحصر نبوده علاوه بر ایران، حتی بر سرزمین هندوستان نیز تأثیر نهاده است. تا آنجا که هرکس علم طب را در شیراز فراگرفته بود، در سایر سرزمینهای اسلامی، ارزش و اعتباری دو چندان داشت.

در ارتقاء علم طب در شیراز تشویق مادی و معنوی پادشاهان و حکام شیراز و فارس بسیار مؤثر بوده است، وقف و تعیین موقوفه برای آموزش طب، ساخت مدارس علمی، احداث بیمارستانها و درمان مجانی بیماران از نکاتی بود که در رونق این مکتب علمی در شیراز مؤثر بوده است. ویژگی فرهنگی و علم دوستی مردم این شهر نیز از عوامل تأثیرگذار بوده است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

REFERENCE:

1. Golshani, Seyyed Ali Reza. Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician in Indian Mughal Empire (Gūrkān) court. Res Hist Med 2012 Aug; 1(3): 20-224. [in Persian]

2. Yaqubi, ibn vazh Ahmad ibn Abi Yaqub: Al-Buldan. Translation: Mohamed Ibrahim Ayatee, Tehran: Translation and Publication Book, 1956, 142. [in Persian]

3. Elgood, Cyril lioyd. Medical history of Persia and the eastern caliphate. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007, 158-410. [in Persian]

4. Golshani, Seyyed Ali Reza. Abu Maher Shirazi: The Founder of Shiraz Medical Doctrine. Res Hist Med 2012 Feb; 1(1): 82-85. [in Persian]

5. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous physicians. Shiraz: Shiraz University Press.1984, 10-233. [in Persian]

6. Foruzani, Seyyes Abulghasem. Shiraz Shahre Raz, Tehran: Book comes, 1997, 30-32. [in Persian]

7. Khubnazar, Hassan., History of Shiraz (from the beginning to the beginning of the reign of Karim Khan Zand), the effort: Dr Ja'far Moayed moaeed Shirazi, Tehran: sokhan, 2002, 228-582. [in Persian]

8. Junayd Shirazi, Eesa.Tazkareh Hezar Mazar, edition: Norani Vesal, Shiraz: Library Ahmadi, 1986, 19-322. [in Persian]

9. Rknzadh Adamiyat, Mohammad Hossin: Scientists and Skhnsrayan Fars (the Taeb to Zin-Alatar). Volom 2, Tehran: bookstores Islamieh And Khayyam, 1959, 107. [in Persian]

10. Hosseini Fasay, Mirza Hasan. Farsnamh Naseri, Volume 1, Tehran, 1936, 86. [in Persian]

11. Forsat Shirazi (Frstaldwlh), Mohammad Nasir, Asar Ajam, Mumbai, 1976, 459.

12. Sami, Ali. Shiraz Shhreh javydan, Shiraz: Naved, Third Edition, 1988, 588-589.

13. Behrozi, Ali Naqi, History of libraries, press and printing Pars, Shiraz: Association of Public Libraries in Shiraz, 1972, 40-41. [in Persian]

14. Maqdisi, Muammad ibn Amad. Asan al-taqāsim fī marifat al-aqālīm. Translate Alinaghi Monzavi, Tehran: Inc translators and authors, 1983, 641-642. [in Persian]

15. 15- Tajbakhsh, Hassan. History of Hospitals (from the beginning to the present day), Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 2001, 92-158. [in Persian]

16. āfe-e Abru, Abd-Allāh bin Lof-Allāh. Zbdhaltvarykh, Volom1. edition: Haj Seyyed Javadi. Tehran: Press the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 2002, 266.

17. Emdad, Hassan. History of Education in the Fars (from ancient times to the contemporary period), Shiraz: Navid, 2007, 172-182. [in Persian].

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]